

تحقق تمدن نوین اسلامی، به مثابه افق نهایی گفتمان انقلاب اسلامی و نقطه تلاقی آرمان‌های الهی با واقعیت‌های اجتماعی، نیازمند بازتعریف مفاهیم بنیادینی چون عدالت، توحید، و کرامت انسانی در بستر تحولات جهانی و بومی است. در این میان، عدالت نه تنها یک اصل اخلاقی یا فقهی، بلکه به عنوان نیروی محرکه تمدن‌سازی، جایگاهی راهبردی در فرآیند ظهور و استقرار جامعه مهدوی دارد. این مقاله، با تکیه بر دغدغه‌های میان‌رشته‌ای نگارنده و پیوند عمیق میان نظریه و عمل، به بررسی نقش عدالت در تحقق تمدن نوین اسلامی در عصر ظهور می‌پردازد؛ عصری که در آن، عدالت نه فقط به عنوان هدف، بلکه به مثابه روش، ساختار و روح تمدن اسلامی تجلی می‌یابد.

در این پژوهش، با بهره‌گیری از منابع قرآنی، روایات مهدوی، تحلیل‌های اجتماعی و بیانیه گام دوم انقلاب، تلاش شده است تا نسبت عدالت با مفاهیمی چون ولایت، عقلانیت دینی، مشارکت مردمی و هویت تمدنی تبیین گردد. نگارنده با رویکردی تلفیقی، به بررسی الزامات تحقق عدالت در سطوح فردی، نهادی و تمدنی پرداخته و الگویی بومی و الهام‌گرفته از سنت اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور ارائه می‌دهد؛ الگویی که در آن، عدالت نه فقط در سطح شعار، بلکه در ساختارهای فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی و سیاسی جامعه نهادینه می‌شود. این مقاله تلاشی است برای پاسخ به این پرسش بنیادین که چگونه می‌توان با بازخوانی عدالت در پرتو انتظار، به سوی تمدنی حرکت کرد که در آن، انسان معاصر در پرتو نور ولایت، به کرامت، آزادی و تعالی واقعی دست یابد.

کلیدواژه: عدالت، تمدن نوین، ظهور

^۱. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه فاطمه الزهراء سلام الله علیها کنند غرب

تمدن نوین اسلامی، به عنوان چشم انداز کلان انقلاب اسلامی، تلاشی است برای بازآفرینی جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های الهی، عقلانیت دینی، و عدالت اجتماعی. این تمدن نه تنها در پی بازسازی ساختارهای سیاسی و فرهنگی، بلکه در صدد تحول بنیادین در انسان و جامعه بر اساس آموزه‌های وحیانی است (رجبی دوانی، ۱۳۹۹). در این میان، عدالت جایگاهی محوری دارد؛ چراکه در منظومه فکری اسلام، عدالت نه فقط یک اصل اخلاقی، بلکه زیربنای نظام اجتماعی و مقدمه‌ای برای ظهور منجی موعود تلقی می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷).

ظهور امام مهدی (عج)، به عنوان نقطه عطف تاریخ بشر، با اقامه قسط و عدل جهانی همراه است؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). این آیه نشان می‌دهد که هدف نهایی بعثت انبیا، تحقق عدالت در جامعه انسانی است؛ امری که در عصر ظهور به کمال می‌رسد. از این رو، بررسی نقش عدالت در فرآیند تمدن‌سازی اسلامی، نه تنها یک ضرورت نظری، بلکه یک مسئولیت تاریخی برای زمینه‌سازان ظهور است (پارسانیا، ۱۳۹۵).

این مقاله با رویکردی میان‌رشته‌ای، به تحلیل مفهوم عدالت در منابع اسلامی، جایگاه آن در ساخت تمدنی، و نسبت آن با ظهور می‌پردازد. هدف، ارائه الگویی نظری و کاربردی برای فهم عدالت به مثابه موتور محرکه تمدن نوین اسلامی در عصر ظهور است؛ الگویی که بتواند هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، زمینه‌ساز تحقق وعده الهی باشد.

عدالت

عدالت، یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در اندیشه اسلامی است که هم در سطح فردی و اخلاقی و هم در سطح اجتماعی و تمدنی نقش‌آفرین است. در قرآن کریم، عدالت به‌عنوان هدف بعثت انبیا معرفی شده است: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)، که نشان می‌دهد عدالت نه‌فقط یک ارزش، بلکه غایت حرکت تاریخی بشر در مسیر هدایت الهی است.

از منظر فلسفه اسلامی، عدالت به معنای «قرار دادن هر چیز در جای خود» تعریف شده و با مفاهیمی چون نظم، توازن و تناسب در هستی پیوند دارد (مطهری، ۱۳۸۷). در فقه و اخلاق اسلامی نیز عدالت به‌عنوان شرط لازم برای قضاوت، امامت جماعت، و حتی پذیرش شهادت در دادگاه‌ها شناخته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳). این گستره مفهومی نشان می‌دهد که عدالت در اسلام، مفهومی چندلایه و میان‌رشته‌ای است که در حوزه‌های معرفتی، اجتماعی، و سیاسی حضور دارد.

در اندیشه مهدوی، عدالت جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چراکه ظهور امام مهدی (عج) با اقامه عدل جهانی همراه است. روایات متعدد از اهل‌بیت (ع) بر این نکته تأکید دارند که آن حضرت زمین را پس از پر شدن از ظلم و جور، سرشار از عدل و داد خواهد کرد (نعمانی، ۱۴۲۲ق). این نگاه، عدالت را نه‌فقط به‌عنوان یک آرمان، بلکه به‌مثابه شاخصه اصلی تمدن موعود معرفی می‌کند.

عدالت به‌عنوان مفهومی تمدنی می‌تواند ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی را دگرگون سازد و زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی در عصر ظهور باشد.

با تکیه بر منابع دینی، فلسفی و اجتماعی، تلاش است عدالت را از سطح مفهومی به سطح راهبردی ارتقا یابد و آن را به‌عنوان نیروی محرکه تمدن‌سازی تحلیل کند

عدالت در عصر غیبت :

عصر غیبت، دوره‌ای است که در آن جامعه اسلامی با فقدان حضور ظاهری امام معصوم مواجه است؛ اما این غیبت، به معنای تعلیق عدالت نیست، بلکه فرصتی تاریخی برای بازتعریف و زمینه‌سازی تحقق آن در سطح تمدنی است. در این دوره، مسئولیت اقامه قسط از امام معصوم به امت منتظر منتقل می‌شود؛ امتی که باید با آگاهی، کنشگری، و بازسازی ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و معرفتی، زمینه ظهور را فراهم سازد (مطهری، ۱۳۸۷).

از منظر دینی، عدالت در عصر غیبت، نه فقط یک آرمان بلندمدت، بلکه یک وظیفه روزمره و راهبردی است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «من سره أن یكون من أصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق»* (نعمانی، ۱۴۲۲ق). این روایت نشان می‌دهد که انتظار، با عمل به عدالت و اخلاق همراه است؛ و منتظر واقعی کسی است که در مسیر تحقق عدالت گام برمی‌دارد، نه کسی که صرفاً به دعا و آرزو بسنده کند. در واقع، عدالت در عصر غیبت، معیار سنجش انتظار فعال و تمدن‌ساز است.

در این دوره، عدالت باید در سه سطح به صورت هم‌افزا مورد توجه قرار گیرد:

-عدالت فردی: پالایش نفس، رعایت انصاف در تعاملات، و تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی. این سطح، بنیان روانی و اخلاقی تمدن اسلامی را شکل می‌دهد و انسان منتظر را به کنشگری مسئولانه سوق می‌دهد.

-عدالت اجتماعی: مبارزه با تبعیض، فساد، و نابرابری‌های ساختاری در نهادهای آموزشی، اقتصادی، قضایی و رسانه‌ای. در این سطح، عدالت به عنوان شاخصه‌ای برای ارزیابی سلامت اجتماعی و میزان آمادگی جامعه برای ظهور عمل می‌کند.

-عدالت تمدنی: بازتعریف الگوهای حکمرانی، مشارکت مردمی، و تولید دانش بر اساس عقلانیت دینی، عدالت معرفتی و کرامت انسانی. این سطح، عدالت را از سطح اصلاحات به سطح تحول تمدنی ارتقا می‌دهد (پارسانیا، ۱۳۹۵).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز بر نقش جوانان در تحقق عدالت و تمدن نوین اسلامی تأکید دارد؛ نسلی که باید با تکیه بر ایمان، علم و اخلاق، مسیر ظهور را هموار سازد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). این بیانیه، عدالت را نه فقط یک مطالبه اجتماعی، بلکه یک مأموریت تاریخی برای نسل منتظر می‌داند؛ مأموریتی که با بازسازی نهادهای فرهنگی، علمی و رسانه‌ای آغاز می‌شود و با تحقق عدالت جهانی در عصر ظهور به اوج می‌رسد.

از منظر تمدنی، عصر غیبت را می‌توان دوره «آمادگی معرفتی و ساختاری» برای ظهور دانست؛ دوره‌ای که در آن عدالت، هم به‌عنوان شاخصه‌ای برای سنجش بلوغ اجتماعی و هم به‌عنوان ابزار بازسازی تمدن اسلامی عمل می‌کند. نگارنده بر این باور است که عدالت در عصر غیبت، پلی است میان غیبت و ظهور؛ پلی که با تلاش‌های معرفتی، فرهنگی و اجتماعی امت منتظر ساخته می‌شود. این عدالت، نه فقط زمینه‌ساز ظهور، بلکه پیش‌نمونه‌ای از تمدن مهدوی است؛ تمدنی که در آن، عدالت الهی در همه ساحت‌های زندگی انسان تجلی می‌یابد. از این منظر، هر گام در مسیر عدالت، گامی در مسیر ظهور است؛ و هر ساختار عادلانه، آینه‌ای از جامعه موعود. عدالت و ولایت در منظومه تمدن:

در اندیشه اسلامی، ولایت و عدالت دو ستون اصلی ساختار اجتماعی و تمدنی‌اند که در تعامل با یکدیگر، مسیر هدایت جامعه را شکل می‌دهند. ولایت، به‌عنوان تجلی حاکمیت الهی در زمین، مسئولیت اقامه قسط و هدایت امت را بر عهده دارد؛ و عدالت، به‌عنوان غایت این هدایت، معیار مشروعیت و کارآمدی نظام ولایی محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳). از این منظر، رابطه ولایت و عدالت نه فقط یک پیوند نظری، بلکه یک ساختار تمدنی است که در عصر ظهور به کمال می‌رسد و در عصر غیبت باید برای تحقق آن زمینه‌سازی شود.

در عصر غیبت، که امام معصوم در پرده غیبت قرار دارد، ولایت فقیه به‌عنوان استمرار ولایت الهی، مسئولیت اقامه عدالت را بر عهده می‌گیرد. این ولایت، برخاسته از عقلانیت دینی، عدالت‌محوری و مشروعیت مردمی است؛ و تنها در صورتی می‌تواند زمینه‌ساز ظهور باشد که عدالت را در همه ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نهادینه کند (مطهری، ۱۳۸۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز بر این نکته تأکید دارد که تحقق تمدن نوین اسلامی، مستلزم رهبری الهی، مشارکت مردمی و عدالت‌محوری است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

از منظر تمدنی، ولایت بدون عدالت، به سلطه بدل می‌شود؛ و عدالت بدون ولایت، به بی‌نظمی و هرج و مرج می‌انجامد. بنابراین، تحقق تمدن اسلامی در عصر ظهور، مستلزم پیوند عمیق میان ولایت الهی و عدالت

تمدن نوین اسلامی، چشم‌اندازی راهبردی در گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه مهدوی است که در پی بازسازی جامعه انسانی بر اساس ارزش‌های الهی، عقلانیت و حیانی، و کرامت ذاتی انسان شکل می‌گیرد. این تمدن، برخلاف تمدن‌های مدرن غربی که بر پایه اومانیسم، سودمحوری و سلطه‌طلبی بنا شده‌اند، بر اصولی چون توحید، عدالت، معنویت، مشارکت مردمی و ولایت الهی استوار است (ذوعلم، ۱۳۹۸). در این منظومه، عدالت نه تنها یکی از مؤلفه‌ها، بلکه روح حاکم بر همه ابعاد تمدن اسلامی است؛ روحی که در صورت غیبت آن، تمدن اسلامی به ساختاری صوری و بی‌محتوا بدل خواهد شد.

مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی و جایگاه عدالت در آن‌ها:

تمدن نوین اسلامی، بر پایه مؤلفه‌هایی شکل می‌گیرد که عدالت در همه آن‌ها نقش محوری دارد. توحید و معنویت: توحید، زیربنای معرفتی تمدن اسلامی است و عدالت، تجلی اجتماعی آن. در جامعه موحد، هیچ‌کس بر دیگری سلطه ندارد و همه در برابر خداوند برابرند. عدالت، ضامن تحقق توحید در عرصه اجتماعی است و مانع از تبدیل آن به شعاری انتزاعی می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷).

-عقلانیت دینی: عقلانیت در تمدن اسلامی، برخاسته از وحی، فطرت و تجربه تاریخی امت است. عدالت، محصول این عقلانیت و معیار سنجش آن است. عقلانیت دینی، با تکیه بر اصولی چون کرامت، اختیار و هدایت الهی، عدالت را به‌عنوان راهبردی تمدنی معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳).

-کرامت انسانی: کرامت، شأن ذاتی انسان است و عدالت، شرط تحقق و حفظ آن در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. بدون عدالت، کرامت انسانی به شعاری بی‌محتوا بدل می‌شود و انسان از جایگاه خلیفه‌اللهی خود فاصله می‌گیرد (اسراء: ۷۰).

-مشارکت مردمی: تمدن اسلامی، تمدنی مردمی است. عدالت، بستر مشارکت و مشارکت، ابزار تحقق عدالت است. در جامعه‌ای که مردم در فرآیند تصمیم‌سازی، تولید دانش و نظارت اجتماعی نقش دارند، عدالت نهادینه می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

-رسانه و معرفت: عدالت باید در تولید دانش، رسانه و گفتمان عمومی جاری باشد تا تمدن اسلامی بتواند در برابر سلطه معرفتی تمدن غربی مقاومت کند. رسانه‌های عدالت‌محور، نقش کلیدی در تربیت انسان منتظر و بازسازی هویت تمدنی ایفا می‌کنند (پارسانیا، ۱۳۹۵).

عدالت؛ ستون فقرات تمدن اسلامی است،

عدالت در تمدن نوین اسلامی، سه نقش کلیدی ایفا می‌کند:

1. نقش ساختاری: عدالت، معیار طراحی نهادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. نهادهایی که بر اساس عدالت شکل نگرفته‌اند، نمی‌توانند حامل تمدن اسلامی باشند. برای مثال، نظام آموزشی عادلانه، فرصت برابر برای رشد استعدادها را فراهم می‌کند و نظام اقتصادی عادلانه، مانع انباشت ثروت در دست اقلیت می‌شود.

2. نقش هویتی: عدالت، شاخصه هویت جامعه اسلامی است. در چنین جامعه‌ای، ارزش انسان‌ها بر اساس تقوا، علم و اخلاق سنجیده می‌شود، نه بر اساس ثروت، قدرت یا نژاد. این هویت، جامعه را از درون مقاوم و از بیرون جذاب می‌سازد.

3. نقش زمینه‌ساز ظهور: عدالت، شرط آمادگی جامعه برای ظهور امام مهدی (عج) است. هر ساختار عادلانه، گامی در مسیر تحقق جامعه مهدوی محسوب می‌شود. در روایات آمده است که آن حضرت، زمین را پس از پر شدن از ظلم و جور، سرشار از عدل و داد خواهد کرد (نعمانی، ۱۴۲۲ق).

عدالت در عصر غیبت؛ تمرین تمدن‌سازی:

در عصر غیبت، تحقق عدالت در سطح تمدنی، وظیفه امت منتظر است. این وظیفه، تنها با بازسازی معرفت، نهادها و گفتمان اجتماعی ممکن است. عدالت در این عصر، نه فقط یک آرمان، بلکه یک تمرین تمدنی است؛ تمرینی برای ساخت جامعه‌ای که شایسته ظهور باشد. این تمرین، شامل تربیت انسان عدالت‌خواه، بازسازی نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای، و طراحی الگوهای حکمرانی بر اساس عقلانیت دینی است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز بر این نکته تأکید دارد که تحقق تمدن نوین اسلامی، مستلزم عدالت‌محوری در همه عرصه‌هاست؛ از علم و اقتصاد گرفته تا رسانه و اخلاق (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

عدالت جهانی؛ افق تمدن مهدوی:

تمدن نوین اسلامی، در عصر ظهور به کمال می‌رسد؛ عصری که در آن، عدالت نه فقط در سطح ملی، بلکه در سطح جهانی جاری می‌شود. امام مهدی (عج)، با تکیه بر ولایت الهی، عقلانیت کامل و عدالت مطلق، ساختارهای جهانی را بازسازی می‌کند و انسان را به جایگاه خلیفه‌اللهی خود بازمی‌گرداند. این تمدن، نه فقط پایان ظلم، بلکه آغاز شکوفایی انسان در پرتو عدالت است.

نتیجه‌گیری

عدالت، در منظومه فکری اسلام، نه تنها یک فضیلت اخلاقی یا اصل حقوقی، بلکه روح حاکم بر همه ساحت‌های زندگی انسانی و ستون فقرات تمدن اسلامی است. این مقاله نشان داد که عدالت، در پیوند با مفاهیمی چون ولایت، عقلانیت دینی، کرامت انسانی، مشارکت مردمی و رسانه، به نیرویی تمدن‌ساز بدل می‌شود؛ نیرویی که می‌تواند جامعه را از وضعیت غیبت به افق ظهور رهنمون سازد.

در عصر غیبت، اقامه عدالت وظیفه‌ای تاریخی بر دوش امت منتظر است؛ وظیفه‌ای که تنها با خودسازی، بازسازی نهادهای اجتماعی، تولید گفتمان عدالت‌محور، و مشارکت فعال در عرصه‌های معرفتی، فرهنگی و سیاسی قابل تحقق است. عدالت در این عصر، نه فقط یک آرمان بلندمدت، بلکه یک راهبرد عملی برای زمینه‌سازی ظهور است؛ راهبردی که در سه سطح فردی، اجتماعی و تمدنی باید نهادینه شود.

در سطح فردی، عدالت با تربیت انسان مؤمن، منصف و مسئول آغاز می‌شود؛ انسانی که خود را در برابر خدا، خلق و تاریخ پاسخ‌گو می‌داند. در سطح اجتماعی، عدالت با اصلاح ساختارها، مبارزه با تبعیض و فساد، و تقویت مشارکت مردمی معنا می‌یابد. و در سطح تمدنی، عدالت با بازسازی معرفت دینی، طراحی الگوهای حکمرانی عادلانه، و تولید نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای عدالت‌محور به فعلیت می‌رسد.

در عصر ظهور، امام مهدی (عج) با تکیه بر ولایت الهی، علم لدنی و عدالت مطلق، ساختارهای جهانی را بازسازی خواهد کرد و انسان را به جایگاه خلیفه‌اللهی خود باز خواهد گرداند. این عصر، نقطه اوج تمدن اسلامی است؛ تمدنی که در آن، عدالت نه فقط در سطح قانون، بلکه در جان انسان‌ها، روابط اجتماعی، و ساختارهای بین‌المللی جاری خواهد شد. از این منظر، عدالت نه فقط زمینه‌ساز ظهور، بلکه تجلی ظهور است؛ و هر گام در مسیر عدالت، گامی در مسیر تحقق جامعه مهدوی است.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز بر نقش عدالت در تحقق تمدن نوین اسلامی تأکید دارد و از نسل جوان می‌خواهد که با ایمان، علم و اخلاق، در مسیر عدالت‌خواهی و تمدن‌سازی نقش‌آفرینی کنند. این بیانیه، عدالت را از سطح مطالبه اجتماعی به سطح مأموریت تمدنی ارتقا می‌دهد؛ مأموریتی که تنها با مشارکت فعال، عقلانیت دینی، و بازسازی نهادهای اجتماعی قابل تحقق است.

در نهایت، تمدن نوین اسلامی زمانی محقق خواهد شد که عدالت در همه ابعاد معرفتی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نهادینه شود؛ و انسان، در پرتو آن، به جایگاه الهی خود بازگردد. مقاله حاضر، تلاشی است برای تبیین این مسیر و دعوتی است به کنشگری تمدنی در عصر انتظار، برای تحقق وعده الهی در عصر ظهور. از این منظر، عدالت نه فقط یک آرمان، بلکه یک مسئولیت تاریخی، یک راهبرد تمدنی، و یک معیار برای سنجش آمادگی جامعه اسلامی برای ورود به عصر ظهور است.

منابع:

* قرآن کریم

۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). مجموعه آثار، جلد ۲۴: عدل الهی. تهران: انتشارات صدرا .
۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). مبانی عدالت و حکومت دینی. قم: نشر اسراء .
۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). کرامت انسان در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء .
۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). الغیبه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار رهبری.
۶. پارسانیا، حمید. (۱۳۹۵). تمدن اسلامی و تجدد غربی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی .
۷. ذوعلم، علی. (۱۳۹۸). مبانی نظری تمدن نوین اسلامی. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی